

رابطه با شیطان

رازگشایی از پرونده قتل مرد جوانی که قربانی سناریو و رابطه شیطانی همسرش شده بود
خاطره یکی از کارآگاهان پلیس آگاهی است

تحقیقات را روی همسر مرد جوان متمرکز کرده و با بررسی‌های محل متوجه شدم او با شوهرش اختلاف و درگیری داشته و همسایه‌ها صدای درگیری آنها را شنیده بودند.

بررسی ارتباطات زن جوان هم نشان داد او با مردی ارتباط تلفنی داشته که این ارتباط پس از مرگ همسرش بیشتر شده بود. موضوع را به بازپرس پرونده اطلاع داده و دستور بازداشت زن جوان را گرفتم. زن جوان ابتدا همان حرف‌های قبلی‌اش را تکرار کرد اما وقتی با دلایلی که علیه او پیدا کرده بودم روبه‌رو شد لب به اعتراف گشود و گفت: همسرم خیلی مرا دوست داشت و به خاطر همین دوست داشتن محدودم کرده بود و اجازه نمی‌داد زیاد از خانه خارج شوم. من دختر پر جنب‌وجوشی بودم و شوهرم این را می‌دانست اما بعد از ازدواج زندگی‌مان را تلخ کرده بود. حتی اجازه نداشتم به خانه دوستانم بروم. از این رفتار خسته شده بودم و به دنبال راهی برای خلاصی بودم. به همین دلیل به تلگرام و اینستاگرام پناه برده و در آنجا با مرد جوانی آشنا شدم که هم صحبت تنهایی‌ام در خانه شده بود. چندبار بدون این‌که همسرم متوجه شود از خانه بیرون رفته و مرد جوان به نام سعید را دیدم. او هم مثل من عاشق گردش و سفر بود و وقتی به خودم آمدم عاشق او شده بودم و دیگر نمی‌توانستم بدون او زندگی کنم برای همین دلیل تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم اما برای رسیدن به او سدی پیش رویم بود. شوهرم آنقدر مرا دوست داشت که بی‌محلی‌ها و دعوایم هم نتوانست او را راضی به جدایی کند. به همین دلیل تصمیم به قتل او گرفتم. سعید ابتدا خواست در تصادف ساختگی او را زیر بگیرد که موفق نشد. بعد قرص برنج خرید و به من داد تا در غذای شوهرم حل کنم و به او بدهم. من هم آن را در غذارихته و از خانه بیرون رفتم. بعد از یک ساعت که برگشتم دیدم حالش بد است. وقتی او را در آن وضعیت دیدم از کارم پشیمان شده و با اورژانس تماس گرفتم و درخواست کمک کردم اما دیر شده بود. در این چند روز به دلیل عذاب وجدان چندبار خواستم خودم را تسلیم کنم که سعید منصرف کرد.

پس از اعتراف‌های زن جوان، همدستش را هم دستگیر کردیم و او به همدستی در این جنایت اعتراف کرد و پرونده این قتل رازگشایی شد.

خیلی بد بود و نمی‌توانست حرف بزند. کنارش یک لیوان آب و چند قرص بود. سریع با اورژانس تماس گرفتم و شوهرم را به بیمارستان انتقال دادیم اما پزشکان نتوانستند او را نجات دهند.

با این‌که همه شواهد حکایت از خودکشی مرد جوان داشت اما حرف‌های همسرش مشکوک به نظر می‌رسید و حس می‌کردم موضوعی را مخفی می‌کند. روز بعد سراغ خانواده مرد جوان رفتم. آنها هم تأیید کردند که پسرشان با مشکل مالی روبه‌رو شده اما قرار بود از بانک وامی بگیرد و بدهی‌هایش را بدهد و مشکلاتش حل شود. این ادعا شک مرا بیشتر کرد. مستقیم به بانک رفتم و ادعای خانواده این فرد را بررسی کردم. آنها درست گفته بودند. مرد جوان روز مرگش به بانک مراجعه کرده و قرار بود تا یک هفته دیگر وام را دریافت کند.

با دریافت این وام همه مشکلات او حل می‌شد و دیگر دلیلی برای خودکشی نداشت. از سوی دیگر تحقیق از اطرافیان مرد جوان نشان می‌داد او فردی پرنارز و جنگنده بود که همیشه با مشکلات مقابله و آنها را حل کرده بود. همچنین عاشق همسر و زندگی‌اش بود.

چند سال قبل در اداره ویژه قتل در حال بازجویی از متهمی بودم که مرگ مشکوک مرد جوانی در بیمارستان گزارش شد. بازجویی رانیمه تمام گذاشته و راهی بیمارستان شدم. در جریان تحقیقات مشخص شد، مردی در حالی که دچار مسمومیت شدید شده بود به بیمارستان منتقل شده و تلاش پزشکان برای نجات جان‌ش بی‌نتیجه مانده بود. پزشکان می‌گفتند مسمومیت با قرص برنج باعث شده هیچ راهی برای نجات او از مرگ باقی نماند.

از همسر او تحقیق کردیم. زن جوان که به خاطر مرگ شوهرش بی‌تابی می‌کرد در جریان تحقیقات گفت: شوهرم به دلیل شکست مالی، افسرده شده بود و طلبکاران هر روز مقابل خانه‌مان می‌آمدند و آبروریزی راه می‌انداختند. خیلی تلاش کرد راهی برای پرداخت بدهی‌هایش پیدا کرده و از صفر شروع کند اما از هر مسیری می‌رفت به بن‌بست می‌خورد و شکست‌های پشت سرهم آزارش می‌داد. من خیلی تلاش کردم کمکش کنم و به او امیدواری بدهم که همه چیز درست می‌شود اما وضعیت روحی همسرم هر روز بدتر می‌شد و این اواخر از خودکشی حرف می‌زد. امروز برای خرید از خانه خارج شدم و وقتی برگشتم با همسرم در حالی که روی زمین افتاده بود روبه‌رو شدم. حالش



۶

زن خیانتکار برای ازدواج
با مرد موردعلاقه‌اش
تصمیم گرفت
شوهرش را از سر راه
بردارد و سناریوی قتل
او را با کمک مرد غریبه
اجرا کرد

۶

معمای ۵ ساله مرگ در باغ

محاکمه هفته

پرونده پسر جوان که جسدش در باغی در شهریار پیدا شده بود برای رسیدگی به درخواست دیه از بیت‌المال به دادگاه ارسال شد.

رسیدگی به این پرونده از پنج سال قبل و با کشف جسد پسر جوانی به نام سیاوش در باغی در شهریار آغاز شد. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد، پسر جوان خودکشی کرده است. جسد او با دستور قضایی دفن شد اما چند روز بعد پدر و مادر سیاوش با مراجعه به ماموران گفتند: یکی از دوستان پسرمان به ما مراجعه و ادعا کرده سیاوش با مردی به نام فرید اختلاف داشته و آخرین بار هم با او درگیر شده بود.

پس از این شکایت ماموران سراغ فرید رفته اما مشخص شد او خانه‌اش در ورامین را به محل نامعلومی ترک کرده است.

ماموران سپس از پسری که ماجرای درگیری را به پدر و مادر سیاوش گفته بود تحقیق کردند که او اظهار کرد: سیاوش و فرید مدتی بود با هم اختلاف و درگیری داشتند. روز حادثه آنها را دیدم که دوباره با هم درگیر شده بودند. میانجیگری

کرده و آنها را جدا کردم و روز بعد هم متوجه مرگ سیاوش شدم. در حالی که هیچ ردی از فرید نبود، پزشکی قانونی در گزارش خود اعلام کرد، هیچ ردی از دیگرکشی روی جسد سیاوش وجود نداشته و حتی در خونش آثاری از داروی اعصاب بوده است.

بازپرس جنایی با توجه به شواهد، پرونده را با عنوان خودکشی بست. با اعتراض اولیای دم پرونده به شعبه چهارم کیفری رفت که قضات دادگاه هم نظر به خودکشی دادند و در نهایت این نظر در دیوان عالی کشور هم مهر تأیید خورد.

اولیای دم بار دیگر اعتراض کرده و خواستار دستگیری فرید به عنوان تنها متهم پرونده شده و گفتند اگر او پیدا نشود، دیه پسرشان باید از بیت‌المال پرداخت شود. این درخواست یک بار دیگر در دیوان عالی کشور بررسی و این بار رأی نقض و پرونده برای رسیدگی به درخواست اولیای دم به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. قرار است به‌زودی به این درخواست رسیدگی شود.